

کاشانی؛

بنیانگذار حکومت اسلامی

به مناسبت پنجاه و پنجمین سالگرد کودتای ننگین 28 مرداد 1332

بخش دوم

4 شهریور 1387 برابر با 25 آگوست 2008

محمد حسینی

مصدق به سوگند خود به شاه و نیز وفاداری به نظام سلطنتی مشروطه وفادار ماند، اما محمد رضا شاه از همان فردای نخست وزیری دوباره مصدق، از هیچ کوششی در مخالفت با او و مقابله با نهضت ضد استعماری ملت ایران فروگذار نکرد. وی در این راه به انواع تحریکات و توطئه ها مبادرت ورزید. شاه نخواست به عنوان یک پادشاه مشروطه و درچارچوب قانون اساسی، که دو بار آن را به سود خود تغییر داد، سلطنت کند و در کنار مردم ایران از منافع کشورش پاسداری نماید و درست به همین دلیل، در برابر طوفان انقلابی که خود زمینه آن را فراهم ساخته بود، دوام نیاورد و تاج و تختش را از دست داد.

بدین ترتیب پیروزی قیام سی ام تیر موقعیت مصدق را به نحو چشمگیری تحکیم کرد، اداره وزارت جنگ را با تغییر نام به "وزارت دفاع ملی"، به عهده گرفت و برای نخستین بار در تاریخ مشروطیت ارتش و نیروهای انتظامی تحت اختیار رسمی دولت قرار گرفت؛ به حیثیت و قدرت شاه لطمه شدیدی وارد شد؛ ملکه

مادر و اشرف مجبور به ترک کشور شدند و احمد هومن معاون دربار و یکی از فعالان ضد مصدق کنار رفت و دیگر مخالفان ناچار به عقب نشینی شدند؛ فراکسیون اقلیت با پیوستن گروهی از نمایندگان طرفدار مصدق و نیز چند تن فرصت طلب، با نام "فراکسیون نهضت ملی"، با 32 تن عضو، در مجلس شورای ملی، اعلام موجودیت کرد. (1)

روز پنجم مرداد 1331، اعضای دولت به مجلس شورای ملی معرفی شدند. برنامه دولت در سیاست خارجی، تقویت سازمان ملل متحد و دوستی با کلیه دول و احترام نسبت به همه ملل بود. در سیاست داخلی، برنامه 9 ماده ای در زمینه لزوم اصلاحات در کشور، برای تصویب، تقدیم مجلس گردید. (2) در جلسه روز

سه شنبه 7 مرداد، مجلس با 68 رأی موافق از سوی 69 نماینده، به دولت رأی اعتماد داد.

روز 9 مرداد، لایحه اختیارات نخست وزیر با قید دو فوریت برای تصویب تقدیم مجلس گردید. در مقدمه لایحه گفته شده بود: « جلوگیری از اثرات ناشی از تضییقات و کارشکنی ها در جلوگیری از فروش نفت، ایجاد تعادل در امور جاری اقتصاد کشور و رفع مشکلات موجود، ایجاب می کند که دولت اصلاحات مورد نظر را بسرعت، ولی با مطالعه و دقت، اتخاذ و به اجرا بگذارد؛ چه اگر بنا باشد در اینموقع حساس برای هر یک از اصلاحات لازم و فوری، لوایحی تهیه و پس از تشریفات پارلمانی به موقع اجرا در آید، فرصت از دست می رود و هیچ اصلاحی به

1. این افراد عضو فراکسیون ملی بودند: سرهنگ احمد اخگر - محمدرضا اقبال - سید محمد علی انگلی - اصغر پارسا - جلال موسوی - سید ضیاءالدین حاج سید جواد - ابوالحسن حائری زاده - دکتر مظفر بقائی - مهندس کاظم حسینی - سیدجواد خلخالی - مهندس احمد رضوی - علی زهری - مهندس احمد زیرک زاده - محمد ابراهیم شاپوری - دکتر علی شایگان - سید مرتضی شبستری - احمد صفائی - فخرالدین فرزانه - دکتر خلیل فلسفی - خسرو قشقائی - محمد حسین قشقائی - سید شمس الدین قنات آبادی - نادعلی کریمی - علی اصغر مدرس - یوسف مشار - دکتر عبدالله معظمی - حسین مکی - دکتر ابوالحسن ملکی - سید ابراهیم میلانی - دکتر احمد ناظرزاده کرمانی - محمود نریمان - حسام الدین وکیل پور. سخنگوی فراکسیون نهضت ملی اصغر پارسا بود.

2. برنامه اصلاحاتی دولت بدین شرح بود: (1) اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداری ها (2) اصاح امور مالی و تقلیل بودجه (3) اصلاح امور اقتصادی به وسیله افزایش تولید و ایجاد کار و اصلاح قوانین پولی و بانکی (4) بهره برداری از معادن نفت کشور (5) اصلاح سازمان های اداری و استخدامی کشوری و قضائی (6) ایجاد شوراهای ملی در دهات به منظور اصلاحات اجتماعی (7) اصلاح قوانین دادگستری (8) اصلاح قانون مطبوعات (9) اصلاح امور فرهنگی، بهداشتی و ارتباطی.

موقع ضروری خود، انجام نخواهد گرفت، زیرا اصلاح امور مالی و اقتصادی با اصلاحات دیگری در امور اجتماعی و سازمانی و اداری و استخدامی و قضائی ملازمه دارد و بسیاری از مسائل اقتصادی است که باید به فوریت درباره آن تصمیم گرفته شود . . .

متن لایحه اختیارات مصدق، که طرح آن در مجلس، اختلاف نهفته در درون جبهه ملی را آشکار ساخت و موجبات رویارویی علنی بین چند تن از سران جبهه ملی با دولت مصدق، تا حد نفاق، دشمنی و سرانجام شکست نهضت ملی را فراهم کرد، بدین شرح بود:

« ماده واحد - به آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر اختیار داده می شود که از تاریخ تصویب این قانون تا مدت شش ماه، لوایحی را که برای اجرای مواد 9 گانه برنامه دولت ضروری است و در جلسه

هفتم مرداد 1331 مجلس شورای ملی تصویب شده است، تهیه نموده و پس از آزمایش، آنها را تقدیم مجلس نماید و تا موقعی که تکلیف آنها در مجلسین معین نشده لازم الاجرا می باشد.»

پس از طرح لایحه، در فوریت اول، یوسف مشار، وزیر کابینه اول مصدق و عضو فراکسیون نهضت ملی، و در فوریت دوم، ابوالحسن حائری زاده، با آن مخالفت کردند. عضویت در فراکسیون نهضت ملی و مخالفت با اولین لایحه دولت جدید در مجلس، با شگفتی تلقی شد. حائری زاده در توجیه مخالفت خود گفت:

« . . . ایشان (مصدق) وقتی هم که وزیر دارائی بودند، اختیارات خواستند، ولی سی سال جوان تر بودند. مع الوصف کاری از پیش نبردند، من با دادن اختیارات مخالفم و دنباله روی آنها یک دیکتاتوری تلخ می بینم . . . »

به رغم مخالفت حائری زاده، لایحه اختیارات، با اکثریت قاطع آراء به تصویب رسید.

روز 11 مرداد برنامه دولت در مجلس سنا مطرح شد. از 35 سناتور حاضر در جلسه، 34 تن به برنامه دولت رأی اعتماد دادند. روز 12 مرداد مجلس شورای ملی طرح مصادره اموال احمد قوام را تصویب کرد.

درخواست اختیارات شش ماهه از سوی مصدق، که در مرداد 1331 به

تصویب مجلسین رسید و در دیماه 1331 به مدت یک سال تمدید شد، از مسائلی بود که در دوره زمامداری او و پس از آن، مورد بحث و تفسیر قرار گرفت. مخالفان با استناد به اینکه اختیارات قانونگذاری مغایر با قانون اساسی است و مصدق نیز با اختیارات مجلس سیزدهم به دکتر میلپو مخالفت کرده بود، او را به باد انتقاد گرفتند و به دیکتاتوری متهم کردند.

مصدق بعدها اختیارات را از جنبه قانونی و سیاسی مورد بررسی و تحلیل قرار داده و نظریات خود را پیرامون ضرورت آن، با توجه به اوضاع و شرایط روز بدین شرح بیان کرده است:

« بعد از سی ام تیر که باز اینجانب خود تشکیل دولت دادم یکی از طرق مبارزه سیاسی خارجی از طریق مجلس هفدهم بود، چنین به نظر رسید که هر قدر اصطکاک

دولت با مجلسین کم بشود، مبارزه سیاست خارجی از طریق مجلس تا حدی فلج شود و دولت بتواند دوام کند. این بود که از مجلسین تقاضای اختیارات نمودم تا در حدود آن بتوانم لوایح قانونی و ضروری را امضا کنم و بعد از آزمایش برای تصویب مجلس پیشنهاد نمایم.

چون با اختیاراتی که مجلس سیزدهم به دکتر میلسپو داده بود و به نفع سیاست خارجی تمام می شد و شاید موارد دیگری که مجلس می خواست به بعضی اشخاص اختیاراتی بدهد که صلاح نبود و اینجانب مخالفت کرده بودم، برای اینکه نگویند چرا آنوقت که پای دیگران در بین بود، مخالفت نمودم و روزی که نوبت به خودم رسید، درخواست اختیارات کردم، موقع درخواست [اختیارات] تذکر دادم؛ با اینکه اعطای اختیارات مخالف قانون اساسی است این درخواست را می کنم. اگر در مجلس به تصویب رسید، به کار ادامه می دهم و الا از کار کنار می روم. مجلس هم از نظر مصالح مملکت آنرا برای مدت شش ماه تصویب نمودند و چون مدت اختیارات در 20 دی ماه منقضی می شد، درخواست تمدید نمودم، که در این وقت یکی از همکاران (1) به این عنوان که تصویب تمدید اختیارات مخالف با قانون اساسی است، با آن مخالفت نمود؛ در صورتی که موقع تصویب اختیارات [قبلی] (20 مرداد 1331) کوچکترین مخالفتی ننمود و علت آن این بود که احساسات مردم تهران در روز سی ام تیر هنوز از خاطره ها نرفته بود.»

مصدق در تحلیل این موضوع که آیا تصویب اختیارات برخلاف قانون

1. این شخص حسین مکی بود. او در اعتراض به تمدید اختیارات، از نمایندگی مجلس استعفا داد و مصدق را با هیئتار مقایسه نمود. (روزنامه شاهد، 20 دی 1331) چند روز بعد مکی به مجلس بازگشت و اعلام کرد که ملت ایران تا آخرین نفس پشت سر مصدق خواهد ایستاد. (باختر امروز، 28 دی 1331).

اساسی و برخلاف مصالح مملکت بوده یا نه، و نیز از نظر حفظ قول و شرافت می نویسد:

« از نظر سیاسی - بعد از ملی شدن صنعت نفت که دولت انگلیس کشور ایران را محاصره نمود و در خزانه دولت دیناری نبود، دولت چگونه می توانست بدون هیچگونه کمک خارجی و بدون اختیارات، مملکت را اداره کند و با سیاست های خارجی مبارزه نماید. آیا مخالفت با اختیارات سبب نمی شد که دولت به واسطه ناتوانی اظهار عجز کند و حریف بر ملت ایران غالب آید، نهضت ملی ایران خاموش شود و تمام فداکاری های ملت به هدر رود؟.

از نظر قانونی – دادن اختیارات در مواقع عادی آنهم به اشخاصی که از آن در نفع بیگانگان استفاده کنند، چون مخالف مصلحت است، مخالف قانون اساسی هم هست ولی در مواقع جنگ و غیرعادی، دادن اختیارات موافق روح قانون اساسی است، چون که قانون اساسی برای مملکت است، نه مملکت برای قانون اساسی. شرب شراب در شرع اسلام، به نص صریح قرآن حرام است، ولی اگر طبیب آن را برای سلامت مریض تجویز نمود، حرمت از آن برداشته می شود. وقتی سلامت یک مریض ایجاب می کند که برخلاف نص صریح شرب خمر کند، آیا اعطای اختیارات که در هیچ کجای قانون اساسی تحریم نشده، آنهم برای سلامت یک ملت، مخالف قانون اساسی است؟ "الضرورت تبيح المحظورات"

مخالفت با اختیارات به این عنوان که مخالفت با قانون اساسی است، کلمه حقی بود که می خواستند از آن در راه باطل سوء استفاده کنند.

از نظر حفظ قول و شرافت – ما روی هدفی جمع شده بودیم و باهم کار می کردیم؛ چنانچه برای مخالفت دلیل موجهی داشتیم، اول می بایست آنرا بین خودمان طرح کنیم، اگر نتیجه نمی داد عامه را مستحضر کنیم، پس از آن شروع به مخالفت نماییم تا نظریاتمان مورد پشتیبانی مردم قرار گیرد و به نفع مملکت تمام شود. اغراض و مخالفت های بی اساس، سبب شد که روز 9 اسفند یکی از همکاران در خارج مجلس بر علیه من اقدام کند (1) و بعضی هم در خود مجلس به انتظار خبر قتل من بمانند و همصدا شدن [آنها] هم با مردم در روز سی ام تیر از نظر همکاری و نیل به هدف نبود، بلکه از جهت مخالفتی بود که با شخص قوام السلطنه داشتند. نمک نخوردند نمکدان را شکستند. (2)

1. منظور آیت الله کاشانی است.

2. خاطرات و تألمات مصدق، صفحات 250-251

ادامه دارد